

**تعیین تاثیر آموزش مراقبت از خود در کاهش بروز حملات
صرع^۱ مراجعین^۲ مصروع به درمانگاههای اعصاب بیمارستانهای
دانشگاههای علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و
آموزش پزشکی واقع در شهر تهران (۷۳-۱۳۷۲).**

پژوهشگر:

طاهره حکیمی گیلانی عضو هیأت
علمی دانشکده پرستاری و مامائی
دانشگاه علوم پزشکی ایران
استاد راهنما:

خانم صفری نیکپور عضو هیأت
علمی دانشکده پرستاری و مامائی
دانشگاه علوم پزشکی ایران
استاد مشاور:

خانم افتخارالسادات حاجی کاظمی
عضو هیأت علمی دانشکده
پرستاری و مامایی دانشگاه علوم
پزشکی ایران
استاد آمار:

آقای دکتر محمود محمودی عضو
هیأت علمی دانشکده بهداشت
دانشگاه علوم پزشکی تهران

چکیده پژوهش:

این پژوهش تحقیقی است از
نوع نیمه تجربی^۳ که با هدف تعیین
تاثیر آموزش مراقبت از خود
در کاهش بروز حملات صرع
مراجعین مصروع به درمانگاههای

اعصاب بیمارستانهای
دانشگاههای علوم پزشکی وابسته
به وزارت بهداشت، درمان و
آموزش پزشکی واقع در شهر
تهران در سال ۷۳-۱۳۷۲ به انجام
رسیده است. این پژوهش روی ۶۸
بیمار مصروع مبتلا به صرع نوع
بزرگ مراجعه کننده به ۵ درمانگاه
اعصاب دانشگاه علوم پزشکی که
به طور تصادفی^۴ انتخاب شده
بودند انجام گرفته و نمونه‌ها نیز به
طور تصادفی انتخاب و به دو گروه
مساوی ۳۴ نفر مورد و شاهد
تقسیم شده بودند. ابزار گردآوری
داده‌ها از سه بخش تشکیل شده
بود که دو بخش آن شامل تعیین
مشخصات فردی و دفعات بروز
حمله در طی شش ماه قبل از
آموزش و علت بروز حمله و
حوادث ایجاد شده در حین حمله
بود و در حضور پژوهشگر توسط
واحدهای مورد پژوهش تکمیل و
سپس هماهنگی لازم برای تشکیل
کلاس با گروه مورد صورت گرفت

و آموزش مراقبت از خود به
صورت سخنرانی انجام شد و
جزوه آموزشی در اختیار گروه
مورد قرار گرفت. سه ماه پس از
آموزش بخش سوم پرسشنامه که
شامل دفعات حمله در طی سه ماه
پس از آموزش مراقبت از خود و
علت و حوادث ایجاد شده در
حین حمله بود، توسط واحدهای
مورد پژوهش تکمیل گردید.
سپس یافته‌ها در ۲۹ جدول تنظیم
شد. در پاسخ به هدف ویژه، اول
مشخصات فردی واحدها تعیین
گردید و در پاسخ به هدف دوم
پژوهش یعنی تعیین و مقایسه
دفعات بروز حملات صرع در طی
شش ماه قبل از آموزش مراقبت از
خود بین گروه مورد و شاهد و
مقایسه میانگین‌های تعداد

1- seizures

2- Epileptic client

3- Quasi Experimental

4- Random sampling

حملات دو گروه مورد و شاهد با استفاده از آزمون آماری "تی" تفاوت معنی داری مشاهده نشده است. همچنین در پاسخ به هدف سوم پژوهش یعنی تعیین تاثیر آموزش مراقبت از خود از طریق مقایسه دفعات بروز حملات صرع گروه مورد و شاهد در طی سه ماه پس از آموزش نشان می دهد که مقایسه میانگین های تعداد حملات با استفاده از آزمون "تی" با ۹۵٪ اطمینان موید تفاوت معنی دار بین میانگین تعداد حملات دو گروه بوده است، یعنی میانگین تعداد حملات گروه مورد نسبت به گروه شاهد کمتر شده بود بدین معنی که فرضیه پژوهش به اثبات رسیده است. در پاسخ به هدف شماره چهار یعنی تعیین علت بروز حملات و حوادث ایجاد شده در طی شش ماه قبل و سه ماه پس از آموزش مراقبت از خود نتایج موید آن بوده است که بر اساس اظهار خود واحدهای مورد پژوهش بیشترین درصد به علت قطع مصرف و تغییر در مقدار مصرف دارو دچار حمله صرع شده بودند و بیشترین حادثه نیز ضربه به سر بوده است. در پاسخ به هدف شماره ۵ یعنی تعیین ارتباط بین مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش و دفعات

بروز حملات صرع در گروههای مورد و شاهد پس از آموزش مراقبت از خود نتایج آزمون، ارتباط معنی داری را بین هیچ یک از مشخصات فردی و دفعات بروز حمله صرع نشان ندادند.

در پایان نیز کار برد نتایج حاصل از این پژوهش مورد بحث قرار گرفت و جهت پی گیری نتایج حاصل، پیشنهاداتی جهت پژوهش های بعدی ارائه شده است.

بیان مسئله پژوهش:

صرع^۱ یک بیماری عصبی و مزمن است که بر زندگی مبتلایان تاثیر عمیقی می گذارد و سلامتی، زندگی خانوادگی، فعالیتهای اجتماعی و پیشرفتهای اقتصادی و تکامل فردی شخص مبتلا را تحت تاثیر قرار می دهد (هارت شورن و بیرز^۲، ۱۹۹۲، صفحه ۲۴). به بیان مایکل^۳ (۱۹۹۱) طبقه بندی موسسه بین المللی مبارزه با صرع به صورت صرع موضعی، صرع عمومی و صرع بدون طبقه بندی می باشد (صفحه ۲۰). فیپس و دیگران^۴ (۱۹۹۱) نیز در این زمینه می گویند. صرع^۵ بزرگ یکی از انواع صرع عمومی بوده و از شایعترین انواع آن می باشد و به صورت تشنجات عمومی سروپا و از دست دادن هوشیاری به مدت

چندین دقیقه تظاهر می کند و دارای مراحل انقباض، و انقباض و انبساط متناوب و استراحت است (صفحه ۱۸۱۸). در رابطه با تاریخچه این بیماری لژیون^۶ (۱۹۹۱) می نویسد: بعد از جنگ جهانی دوم با شناخت داروهای نظیر فنی توئین سدیم^۷ بیماران مصروع از لقب های دیوانه و جنایتکار نجات یافتند (صفحه ۳۰۰). و به بیان پارکر^۸ (۱۹۸۸) شیوع بیماری صرع در جهان ۰/۵٪ گزارش شده است (صفحه ۱۹۷). البته در ایران آمار محدودی در این رابطه وجود دارد. بر اساس گزارش سال ۱۳۶۶، ۳۲۲۳۵ نفر مبتلا در تمامی ایران وجود داشته است (دفتر بررسی و تحلیل اطلاعات آماری نشریه ۱۶۶۰، سال ۶۶).

یکی از مسائل متعددی که بیماران مصروع با آن روبرو هستند

- 1- Epilepsy
- 2- Hart shorn & Byers
- 3- michael
- 4- phipps etal
- 5- Grandmalseizures
- 6- Legion
- 7- phenytoin.sodium
- 8- parker

می‌تواند مقاوم شدن حملات^۱ صرعی در نتیجه قطع مصرف داروهای ضد صرع و تب یا عفونت‌ها باشد که با ۱۰٪ مرگ و میر همراه است (آدامز و ویکتور^۲، ۱۳۷۰، صفحه ۱۹۱).

از عواملی که می‌تواند در کمک به بیماران مصروع و حل مسایل و مشکلات آنها موثر باشد آموزش است. چنانچه لژیون (۱۹۹۱) به نقش آموزش اشاره می‌کند و می‌نویسد زمانیکه نیاز مراقبتی مطرح می‌شود آموزش به بیمار مصروع یکی از مهمترین جنبه‌های مراقبت محسوب می‌گردد (صفحه ۳۰۱).

بدیهی است پرستاران نقش مهمی در آموزش بیمار و خانواده او بعهده دارند و از آنجائیکه بیماریهای مزمن از جمله بیماری صرع از نیروی کار افراد سالم که به نحوی درگیر این مشکل می‌باشند خواهد کاست، ولی با آموزش مراقبت از خود می‌توان به این بیماران در حل مسایل و مشکلات ناشی از بیماری کمک کرد و مانع تکرار حملات شد. لذا پژوهشگر لزوم انجام پژوهش‌های مختلف را در این زمینه احساس کرده و با توجه به آن اقدام به پژوهش اخیر یعنی تعیین تاثیر آموزش مراقبت از خود در کاهش بروز حملات

صرع نموده است.

مروری بر مطالعات انجام شده:

در رابطه با شیوع بیماری صرع در تهران تحقیقی توسط آبادیان و قره‌گوزلی در سال ۱۳۷۰ به مدت ۶ ماه در ۲ منطقه تهران انجام شد. با توجه به آمار تحت پوشش یعنی ۲۷۸۹۲۳ نفر، ۱۲۱۷ نفر مبتلا به صرع یا ۴/۲ نفر در هر هزار نفر وجود داشته است و تعداد کل مبتلایان به صرع نوع بزرگ ۵۴۱ نفر بودند و نتایج کلی موید وجود تفاوت نسبت به آمار ارائه شده توسط سایر کشورها بوده است (صفحه ۶۴). نیاکان (۱۳۷۱) نیز به مدت ۲۲ ماه به بررسی نقش آموزش بر کنترل حملات صرع بیماران مراجعه کننده به مراکز آموزش و درمانی فارابی استان باختران پرداخت. نتایج آماری موید آن بودند که هرچه تعداد جلسات آموزشی بیشتر بود، مصرف دارو به نحو بهتری صورت می‌گرفت لیکن به علت مشکلات تهیه دارو، تعویض مکرر آن و مقاوم شدن بیماران نسبت به دارو و خطاهای پزشکی و برخی عوامل دیگر آموزش بر کنترل حملات بی تاثیر بود (صفحات ۱۱ و ۱۲).

در تحقیق دیگری که توسط

لوییزو و دیگران^۳ (۱۹۹۰) انجام شد، تاثیر برنامه‌های آموزشی صرع روی آگاهی اولیا کودکان مصروع در ایالت کالیفرنیا^۴ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از مقایسه میزان آگاهی ۷ ماه قبل و پس از آموزش در دو گروه مورد و شاهد نشان داد که آموزش سبب افزایش میزان آگاهی شده بود. لیکن در پاره‌ای موارد نیاز به آموزش بیشتری وجود داشت (صفحات ۳۷۳ - ۳۶۴). هل جسون و دیگران^۵ (۱۹۹۰) نیز تحقیقی را به منظور بررسی تاثیر برنامه‌های آموزش روانی در درمان طبی مصروعین در کالیفرنیا انجام دادند که از پیش آزمون نهایی استفاده شد و به مدت ۲ روز کلاس آموزشی برای گروه مورد برگزار گردید و همچنین سطح سرمی دارویی آنان نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آماری موید تاثیر چشمگیر آموزش روی کنترل بیماری بوده است (صفحات ۸۲ - ۷۰). همچنین

- 1- status epilepticus
- 2- Adams and victor
- 3- lewis etal
- 4- california
- 5- Helgeson etal

ناکن^۱ و دیگران در سال (۱۹۹۰) نیز در رابطه با تاثیر آموزشهای فیزیکی بر وقوع حملات صرع و سطح سرمی داروهای ضدصرع بر بالغین مصروع در نروژ به مدت ۸ هفته به بررسی پرداختند. نتایج آماری نشان دادند که در حین دوره تمرین پیشرفت چشمگیری در وضعیت عقلانی و روانی و اجتماعی واحدهای مورد پژوهش داده شد، اما روی کنترل تعداد حملات موثر نبوده است (صفحات ۸۸-۹۴).

در کالیفرنیا (۱۹۹۱) تاثیر برنامه آموزشی آگاهی کودکان و خانواده آنها در رویایی با حملات صرع توسط لوئیز و دیگران مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌ها نشان دادند که آموزش به روش مشکل گشایی در سطح شناختی و عاطفی و عملی تاثیر بیشتری بر یادگیری نسبت به روش‌های سنتی یعنی سخنرانی داشته است (صفحات ۱۰۹ - ۱۰۱).

چارچوب پنداشتی:

چارچوب پنداشتی این پژوهش بر اساس مفهوم آموزش به بیماران مصروع تدوین گشته است. فلیمنگ^۲ (۱۹۹۲) در این مورد می‌گوید: اهداف آموزش به بیمار کمک به افرادی است که در

حال بهبود از بیماری یا سازگاری با آن، یا در مرحله پیشگیری از بیماری یا در معرض ابتلا می‌باشند (صفحه ۱۵۸).

فلور^۳ (۱۹۹۲) صرع را این چنین تعریف می‌کند: صرع شرایطی است که حملات مکرری در نتیجه ساختمان یا اختلال در وضعیت خونرسانی مغز ایجاد می‌شود و دارای تظاهرات بالینی ناشی از تخلیه الکتریکی ناگهانی و غیرطبیعی سلولهای مغزی می‌باشد (صفحات ۳۲۴ و ۵۷۰).

با توجه به اینکه مهمترین جنبه مراقبتی از این بیماران آموزش است هارت شورن و بیرز (۱۹۹۲) در زمینه آموزش به بیمار مصروع به نکات زیر اشاره می‌کنند: دفعات بروز حمله صرع، نوع مقدار داروی مصرفی موثر، اثرات جانبی داروها، تاریخچه درمان گذشته، شرکت بیمار در فعالیت‌های زندگی، بهداشت عمومی و واکنش بیمار نسبت به حملات باید بررسی و بر اساس آن آموزشهای ضروری ارائه گردد (صفحه ۲۷۰).

اهداف پژوهش:

اهداف کلی:

۱- تعیین تاثیر آموزش مراقبت از خود در کاهش بروز حملات

صرع مراجعین مصروع به درمناگاههای اعصاب بیمارستانهای دانشگاههای علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واقع در شهر تهران، ۷۳-۱۳۷۲.

۲- ارائه پیشنهادات برای کاربرد یافته‌ها.

۳- ارائه پیشنهادات بر اساس یافته‌های پژوهش جهت انجام پژوهشهای دیگر.

اهداف ویژه:

۱- تعیین مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش.

۲- تعیین و مقایسه دفعات بروز حملات صرع در طول ۶ ماه قبل از آموزش مراقبت از خود در گروه مورد و همزمان در گروه شاهد.

۳- تعیین تاثیر آموزش مراقبت از خود از طریق مقایسه دفعات بروز حملات صرع در طول سه ماه پس از آموزش مراقبت از خود در گروه مورد و شاهد.

۴- تعیین علت بروز حملات و نوع حوادث ایجاد شده در حین حمله در گروه مورد و شاهد در طی ۶ ماه قبل و سه ماه پس از آموزش

1- Nakken etal

2- Fleming

3- Felver

مراقبت از خود.

۵- تعیین ارتباط بین مشخصات فردی و دفعات بروز حملات صرع پس از آموزش مراقبت از خود در گروه مورد و شاهد.

فرضیه پژوهش:

آموزش به بیماران مصروع در کاهش بروز حملات صرع آنها موثر خواهد بود.

نوع پژوهش:

این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی است زیرا پژوهشگر با مداخله در متغیر مستقل که آموزش مراقبت از خود بوده است سعی در ایجاد تغییر در متغیر وابسته یعنی تعداد حملات کرده است.

نمونه پژوهش:

نمونه‌های این پژوهش به طور تصادفی انتخاب شده‌اند به این ترتیب که با مراجعه به درمانگاه‌های منتخب اعصاب دانشگاه‌های علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واقع در شهر تهران در چندین نوبت هر بار بیماران مراجعه کننده که با شرایط واحدهای مورد پژوهش هماهنگی داشتند، ۳۴ نفر به عنوان مورد و ۳۴ نفر به عنوان

گروه شاهد انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در حضور پژوهشگر تکمیل شد. همچنین به منظور دستیابی مجدد به واحدهای مورد پژوهش از آنها تلفن و آدرس گرفته شد، سپس برای گروه مورد هماهنگی لازم جهت تشکیل کلاس آموزش صورت گرفت.

مشخصات واحدهای مورد پژوهش: ۱- کلیه واحدهای مورد پژوهش بر اساس تشخیص پزشک به صرع نوع بزرگ مبتلا و بیماریهای مشخص دیگری نداشتند و در طی شش ماه قبل از پاسخگویی به پرسشنامه دچار حمله صرع شده بودند. ۲- سن واحدهای مورد پژوهش بین ۱۸ تا ۵۰ سال بوده است. ۳- واحدهای مورد پژوهش حداقل از سواد خواندن و نوشتن برخوردار بودند. ۴- هیچیک از واحدهای مورد پژوهش درمورد صرع آموزش رسمی ندیده بودند. ۵- واحدهای مورد پژوهش در هیچ تحقیق مشابهی شرکت نکرده بودند.

محیط پژوهش:

پژوهشگر پس از لیست کردن بیمارستانهای وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واقع در شهر تهران که

دارای درمانگاه اعصاب بودند از هر دانشگاه ۲ بیمارستان به طور تصادفی انتخاب کرده است که در مورد بیمارستانهای منتخب دانشگاه علوم پزشکی ایران تنها یک بیمارستان از نظر پذیرش و دسترسی به بیماران مصروع امکان پذیر بوده است.

روش گردآوری داده‌ها:

ابزار گردآوری در این پژوهش پرسشنامه بوده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

این پژوهش دو متغیری^۱ و دو گروهی بود و داده‌ها در دو مرحله جمع آوری شده‌اند. پس از جمع آوری پرسشنامه اطلاعات دسته بندی گردید و پس از کنترل اطلاعات به منظور دستیابی به اهداف پژوهش به صورت جداول توزیع فراوانی مطلق و نسبی و توزیع میانگین و انحراف معیار تنظیم گردید و از آزمون آماری "تی" جهت مقایسه میانگین‌های تعداد حملات استفاده شد. همچنین به منظور بررسی وجود ارتباط بین مشخصات فردی و تعداد حملات در طی سه ماه پس از آموزش نیز آزمون آماری تی به

1- Two variable

کار برده شد.

برای پوشش دادن به هدف اول پژوهش (تعیین مشخصات واحدهای مورد پژوهش) جداول ۱ تا ۱۵ تنظیم گردیده است و یافته‌ها نشان دادند که بیشترین درصد از افراد گروه مورد و شاهد را زنان تشکیل داده بودند و سن ۲۳/۳۸٪ از گروه مورد کمتر از ۲۰ سال بوده است و ۴۷/۲۶٪ از گروه شاهد سن کمتر از ۲۰ سال داشتند. همچنین اکثریت واحدهای مورد پژوهش مجرد بودند و ۴۱/۱۸٪ از گروه مورد و ۳۵/۲۹٪ از گروه شاهد از سطح تحصیلات راهنمایی و سیکل برخوردار بودند در حالیکه سطح تحصیلات دانشگاهی و دیپلم در گروه مورد و شاهد به ترتیب در حد صفر و ۲/۹۴٪ بوده است. ۳۲/۳۵٪ از گروه مورد و ۴۷/۰۶٪ از گروه شاهد را زنان خانه‌دار تشکیل داده بودند و همچنین ۲۳/۵۳٪ از گروه مورد و ۱۴/۷۱٪ از گروه شاهد تغییر شغل داده بودند و علت تغییر شغل اکثریت واحدهایی که تغییر شغل داده بودند بیماری صرع بوده است. بعلاوه به طور مساوی در ۳۲/۳۵٪ از گروه مورد به دنبال تب و ترس و ۴۱/۱۸٪ از گروه شاهد به دنبال تب مبتلا به صرع

شده بودند. سابقه ابتلای ۵۵/۸۸٪ از گروه مورد و نیمی از افراد گروه شاهد کمتر از ۵ سال بوده است. همچنین اکثریت افراد گروه مورد و شاهد در خانواده خود بیمار مصروع نداشتند، منتهی وجود بیماری صرع در خانواده درجه ۲ آنها در بیشترین درصد قرار داشت. در رابطه با نوع مصرف داروی ضد صرع اکثریت واحدهای مورد پژوهش، داروی تگرتول^۱ یا (کاربا مازپین) مصرف می‌کردند. همچنین اکثریت افراد گروه شاهد و نیمی از افراد گروه مورد قبل از بروز حمله صرع با علایم خیر دهنده از وقوع آن آگاه می‌شدند و ۲۹/۴۱٪ از افراد گروه مورد و نیمی از افراد گروه دارای علایم خیر دهنده سر درد بودند و بر طبق اظهار واحدهای مورد پژوهش اکثریت آنها پس از وقوع حمله صرع دچار حالت خستگی و خواب آلودگی بوده‌اند. در رابطه با هدف دوم پژوهش (تعیین و مقایسه دفعات بروز حمله صرع در طول شش ماه قبل از آموزش مراقبت از خود در گروه مورد و شاهد) یافته‌ها نشان دادند که ۵۸/۸۵٪ از گروه مورد و ۴۱/۱۸٪ از گروه شاهد در طول شش ماه قبل از آموزش ۳ تا ۴ حمله صرع داشته‌اند و با تعیین

میانگین و انحراف معیار تعداد حملات و با استفاده از آزمون آماری "تی" و مقایسه میانگین‌های تعداد حملات گروه مورد و شاهد تفاوت معنی‌داری میان تعداد حملات گروه مورد و شاهد دیده نشد.

در رابطه با هدف سوم پژوهش (تعیین تاثیر آموزش مراقبت از خود از طریق مقایسه دفعات بروز حملات صرع در طی سه ماه پس از آموزش مراقبت از خود در گروه مورد و شاهد) یافته‌ها موید آن بودند که ۲۰/۵۹٪ از گروه مورد در طول سه ماه پس از آموزش دچار حمله صرع نشده بودند، در حالیکه این میزان در گروه شاهد ۵/۸۸٪ بوده است. همچنین برای ۵۵/۸۸٪ از گروه مورد پس از آموزش ۱-۲ حمله صرع روی داده بود، در صورتیکه ۳۸/۲۴٪ از گروه شاهد در همین فاصله زمانی دچار ۳-۴ حمله صرع شده بودند. نتایج آزمون آماری "تی" در مقایسه میانگین تعداد حملات با سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ اختلاف معنی‌داری را میان میانگین تعداد حملات در گروه مورد و شاهد در طی سه ماه پس از آموزش مراقبت از خود نشان داده است، یعنی

1- Tegretol (carbamazepin)

میانگین تعداد حملات گروه مورد کمتر از میانگین تعداد حملات گروه شاهد بوده است.

در رابطه با هدف چهارم پژوهش (تعیین علت بروز حملات و نوع حادثه ایجاد شده در حین حمله در گروه مورد و شاهد در طی شش ماه قبل و سه ماه پس از آموزش مراقبت از خود) یافته‌ها مویید آن بودند که ۶۱/۷۶٪ از افراد گروه مورد قبل از آموزش مراقبت از خود به علت تغییر در مقدار مصرف دارو دچار حمله صرع شده بودند در حالیکه این رقم در گروه شاهد در همین مدت ۳۸/۲۴٪ بوده است و همچنین قطع مصرف دارو نیز در ۳۸/۲۴٪ از گروه شاهد، علت بروز حمله صرع بوده است. به علاوه بیشترین درصد از گروه مورد و شاهد قبل از آموزش در حین حمله دچار حادثه ضربه سر شده بودند، حال آنکه پس از آموزش برای اکثریت گروه مورد حادثه حین حمله روی نداده بود و برای اکثریت افراد گروه شاهد و ۴۲/۸۶٪ از افراد گروه مورد که دچار حادثه شده بودند، حادثه ضربه سر اتفاق افتاده بود. در طول سه ماه پس از آموزش علت بروز حمله صرع ۸۱/۴۸٪ از افراد گروه مورد تغییر در مقدار مصرف دارو

بوده است، ۳۷/۵٪ از گروه شاهد به علت قطع مصرف دارو دچار حمله صرع شده بودند و تنها درصد محدودی از گروه مورد به علت عادت ماهیانه و از گروه شاهد به علت تابش نور به چشمها دچار حمله صرع شده بودند و حوادث شکستگی و افتادن در آب برای هیچ یک از واحدهای مورد پژوهش در طی سه ماه پس از آموزش روی نداده بود.

در رابطه با هدف پنجم پژوهش (تعیین ارتباط بین مشخصات فردی و بروز حملات صرع پس از آموزش مراقبت از خود در گروه مورد و شاهد): نتایج آزمون آماری "تی" و مقایسه میانگین تعداد حملات بر حسب برخی مشخصات فردی (جنس و سن، وضعیت تاهل، اشتغال و سطح تحصیلات) پس از مرحله آموزش مراقبت از خود در گروه مورد و شاهد ارتباط معنی داری را نشان نداده است.

نتیجه گیری نهایی

یافته‌های این پژوهش در رابطه با فرضیه پژوهش "آموزش مراقبت از خود به بیماران مصروع در کاهش بروز حملات صرع" موثر است و استفاده از روش‌های آماری جهت آزمون فرضیه بیانگر

این واقعیت بوده است که آموزش تاثیر مشخصی در کاهش تعداد حملات بیماران مصروع شرکت کننده در کلاس آموزش مراقبت از خود در مقایسه با تعداد حملات گروه شاهد داشته و نتایج حاصل از این بررسی فرضیه پژوهش را تایید کرده است به طوریکه استفاده از آزمون آماری "تی" و مقایسه میانگین تعداد حملات نشان داده بین میانگین تعداد حملات صرع گروه مورد و شاهد در طی ۶ ماه قبل از آموزش تفاوت معنی داری وجود نداشته است، در حالیکه میانگین و انحراف معیار تعداد حملات در گروه مورد در طی سه ماه پس از آموزش مراقبت از خود به ترتیب ۲/۱۱ بار و ۱/۷۹ و در گروه شاهد ۳/۵۵ بار و ۱/۸۳ بوده است و آزمون آماری "تی" نشان داد که با اطمینان بیش از ۹۵٪ بین میانگین تعداد حملات دو گروه مورد و شاهد اختلاف معنی داری وجود داشته یعنی تعداد حملات گروه مورد کمتر از تعداد حملات گروه شاهد بوده است.

کاربرد یافته‌ها:

یافته‌های این پژوهش در زمینه

$$1- T = -۱/۶۳$$

$$2- T = -۱/۶۳$$

مشخصات فردی بیانگر آن بودند که اغلب واحدهای مورد پژوهش را زنان تشکیل داده بودند. لذا با توجه به نقش مادری زنان، پژوهشگر امیدوار است که در برنامه‌های بهداشتی زنان به وجود بیماری صرع اهمیت داده و نیازهای آموزشی این دسته از بیماران مورد توجه قرار گیرد و نظر به اینکه بیشترین درصد از واحدهای مورد پژوهش را جوانان ۱۸-۲۴ ساله تشکیل داده بودند لذا با توجه به جوان بودن این قشر امید می‌رود که در برنامه‌های ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی به مسایل جسمی و روانی و اجتماعی این گروه توجه گردد. یافته‌های این پژوهش موید آن بودند که بیشترین درصد از واحدهای مورد پژوهش را افراد مجرد تشکیل داده بودند که می‌توان علت آن را با توجه به پایین بودن سن واحدهای مورد پژوهش نداشتن آمادگی سنی برای ازدواج دانست از طرفی آگاه کردن مجامع و خانواده‌ها از طریق رسانه‌های گروهی مبنی بر مراجعه این بیماران به مشاور ژنتیک و تشویق آنها به تشکیل خانواده مفید به نظر می‌رسد. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن بودند که سطح تحصیلات

اکثریت واحدهای مورد پژوهش در حد سیکل و راهنمایی قرار داشته است. به نظر پژوهشگر مدارس نقش اساسی در بهبود وضعیت تحصیلی دانش آموزان مصروع دارند و آگاه کردن خانواده‌ها و مدارس و جامعه مبنی بر چگونگی برخورد با این دانش آموزان و عادی تلقی کردن حملات و دادن آگاهی ضروری در جهت مراقبت از بیمار مصروع در حین حمله می‌تواند در روند تحصیلی دانش آموزان مصروع تاثیر مثبت داشته باشد. بعلاوه یافته‌ها بیانگر آن بودند که بنابه بیان گروه کثیری از واحدهای مورد پژوهش بیماری صرع آنها به دنبال تب بروز کرده بود و پژوهشگر امیدوار است در مراکز بهداشتی از طریق پرستاران بهداشت آموزشهای لازم در زمینه مراقبت از کودک و پیشگیری از افزایش درجه حرارت با تاکید بر عوارض ناشی از تب ارائه گردد. همچنین بنابه اظهار بسیاری از واحدهای مورد پژوهش بیماری صرع آنها به دنبال ترس بروز کرده بود لذا آموزش در جهت مقابله با عوامل ترسناک و تامین بهداشت روانی جامعه بخصوص از طریق تشکیل برنامه‌های آموزشی با توجه به نقش پرستاران در کلیه سطوح

پیشگیری (آموزش، درمان، نوتوانی) شاید بتواند در این مورد موثر واقع شود. با توجه به اینکه یافته‌ها نشان دادند که اکثریت واحدهای مورد پژوهش از داروی کار با مازپین (تگرتول) استفاده می‌کرده‌اند و اکثریت واحدها در زمینه مصرف دارو دچار مشکل بوده‌اند لذا دادن آموزشهای ضروری در این رابطه لازم بوده، و به نظر می‌رسد در صورتیکه مسئولین امر ترتیبی دهند که دارو به اندازه کافی در اختیار داروخانه‌ها قرار گیرد و بیماران در تهیه آن دچار مشکل نشوند خطر عود حملات، آنها را کمتر تهدید خواهد کرد. از طرفی یافته‌ها نشان داده‌اند که واحدهای مورد پژوهش قبل از آموزش مراقبت از خود دارای حملات تقریباً یکسان بوده‌اند در صورتیکه در طی سه ماه پس از آموزش تعداد حملات گروه مورد کاهش یافته بود. بعلاوه میان اکثریت مشخصات واحدهای مورد پژوهش و تعداد حملات ارتباط معنی داری مشاهده نگردید. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که افراد از هر جنسی یا هر سنی با هر سطح تحصیلی که باشند نیازمند آموزش در زمینه مراقبت از خود می‌باشند و این امر بر عهده رسانه‌ها و پرستار

بهداشت جامعه و پرستاران بالینی و پزشکان است که نیازهای آموزشی بیماران را شناسایی کرده و آنها را از آموزشهای مورد نیازشان محروم نگردانند. در ضمن بر عهده مربیان پرستاری است که دانشجویان را در طی سالهای تحصیل پرستاری به اهمیت نقش آموزشی خود واقف گردانند تا در آینده و در تماس با بیماران مختلف منجمله بیماران مصروع با دیدی آموزشی به امر مراقبت از بیماران بپردازند. همچنین پژوهشگر در ضمن فعالیتهای بالینی و در طی انجام پژوهش نیاز به وجود سازمان حمایتی از بیماران مصروع در کشور ایران را احساس کرده است. لذا امیدوار است این پژوهش بتواند توجه مسئولین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را به تامین یک سازمان حمایتی برای این بیماران جلب کند.

پیشنهادهای برای پژوهشهای بعدی:

نظر به اینکه در این پژوهش تنها بیماران مصروع مبتلا به صرع بزرگ مورد بررسی قرار گرفته‌اند، پیشنهاد می‌شود تاثیر آموزش مراقبت از خود بر کاهش بروز حملات بیماران مبتلا به انواع

دیگر بیماری صرع بررسی و مقایسه گردد.

با توجه به اینکه تاثیر آموزش مراقبت از خود در کاهش بروز حملات در طی سه ماه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، پیشنهاد می‌شود تاثیر آموزش مراقبت از خود بر کاهش بروز حملات بیماران مبتلا به انواع دیگر بیماری صرع بررسی و مقایسه گردد.

با توجه به اینکه تاثیر آموزش مراقبت از خود در کاهش بروز حملات در طی سه ماه مورد بررسی قرار گرفته است و در فاصله زمانی بیشتر شانس پیگیری دقیق تری وجود دارد لذا پیشنهاد می‌شود تحقیق مشابهی در مدت زمان طولانی تر روی این دسته از بیماران انجام شود.

با توجه به اینکه پژوهشگر از روش سخنرانی و پرسش و پاسخ جهت آموزش بیماران استفاده کرده است، توصیه می‌شود روشهای دیگر آموزشی نظیر آموزش انفرادی، یا استفاده از نوار ویدئو به صورت مقایسه با این روش روی این دسته از بیماران بررسی گردد. نظر به اینکه بسیاری از بیماران در حین حمله دچار حادثه ضربه سر شده بودند، نتیجتاً مراقبت در حین حملات صرع از این بیماران بسیار مهم

است. لذا پیشنهاد می‌شود تحقیقی در زمینه بررسی میزان آگاهی خانواده بیماران مصروع از نحوه مراقبت از این بیماران در حین حمله صرع انجام شود.

پژوهشگر ضمن جمع‌آوری داده‌ها در بسیاری موارد مشاهده کرده است که بیماران در امور مراقبتی به کمک خانواده نیاز دارند لذا پیشنهاد می‌شود تحقیقی در زمینه بررسی تاثیر آموزش به خانواده بیماران مصروع بر تعداد حملات آنان مورد ارزیابی قرار گیرد.

بر اساس یافته‌ها درصد زیادی از واحدهای مورد پژوهش در ارتباط با مصرف دارو دچار مشکل بوده‌اند، لذا توصیه می‌شود عملکرد بیماران در رابطه با چگونگی اجرای مراقبت‌های ضروری از خود و پی‌گیری دستورات درمانی و تاثیر آن بر تعداد حملات مورد بررسی قرار گیرد.

از آنجائیکه پژوهشگر در طی تحقیق متوجه شده است بیماران مصروع با اکراه به بیماری خود اعتراف می‌کنند لذا توصیه می‌شود نگرش بیماران مصروع و گروههای مختلف جامعه نسبت به بیماری صرع بررسی گردد. نظر به اینکه اکثر واحدهای

**بررسی آنومالیهای
نوزادان تازه متولد شده
در زایشگاه نیک نفس شهر
رفسنجان در سالهای
۱۳۶۹-۱۳۷۳**

مجریان طرح:

خانمها زهره رفتاری - عضو هیأت
علمی دانشکده پرستاری و مامایی
رفسنجان

مریم شهابی نژاد عضو هیأت
علمی دانشکده پرستاری و مامایی
رفسنجان

زیر نظر:

آقای دکتر علوی عضو هیأت علمی
دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس

چکیده:

پژوهش حاضر یک مطالعه
توصیفی می باشد که در آن
پژوهشگران به تعیین میزان و نوع
آنومالیهای موجود در زایشگاه
نیک نفس شهر رفسنجان در
سالهای ۱۳۶۹-۷۳ پرداخته اند.
این مطالعه حاصل بررسی
پرونده های مادران مراجعه کننده
به مرکز فوق در طی ۵ سال
می باشد.

منابع:

- 1- callaghan, N. crowley , M. Gogginal. "epilepsy and employment marital education and social status". Ir-med-y . 85 (1) . march 1992. PP:17-19
- 2- Dilorio, colleen. etal, "The development and testing of an instrument to measure self efficacy in indiviual with epilepsy". journal of neuro science Nursing. february 1992. vol 24. No 1.PP:9-13
- 3- Hills, michael D. and Baker , peter C. "Epilepsy stigma, selfesteem and social support." science & Technology. vol 4. 1993.PP:1-7
- 4- Lannon, susan L. "meeting the needs of children whose parents have Epilepsy". journal of neuro science Nursing . Vol 24.No 1.February 1992. PP: 14-18
- 5- manford, mark. "treatment of epilepsy". The paetrtoier east mediterranean edition. vol 4. No 3. march 1993. PP: 194-198

مورد پژوهش را افراد مجرد و جوان تشکیل داده بودند لذا توصیه می شود نگرش افراد مبتلا نسبت به تشکیل خانواده مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه پژوهش در گروه سنی ۵۰-۱۸ سال انجام شده است پیشنهاد می شود در سایر سنین نیز تحقیق مشابهی انجام شود.

با توجه به پایین بودن سطح تحصیلات افراد مورد پژوهش همچنین به علت عدم موفقیت تحصیلی بیماران مصروع توصیه می شود پژوهشی به منظور بررسی دانش، نگرش و عملکرد معلمان مدارس در مورد بیماری صرع انجام شود.

نظر به اینکه پژوهشگر ضمن فعالیتهای بالینی و در طی انجام پژوهش نیاز به وجود سازمان حمایتی از بیماران مصروع در کشور ایران را احساس کرده است، پیشنهاد می شود نگرش مسئولین و پزشکان اعصاب در رابطه با تاسیس چنین سازمانی و موانع موجود در این راه مورد بررسی قرار گیرد.